



## بستم یادگیری

# فرزند اسناد بالادستی

گفت‌وگو با دکتر حسن ملکی،

قائم‌مقام سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

«لطفاً در خصوص فلسفه وجودی بسته‌های یادگیری و چرایی استفاده از آن‌ها کمی توضیح دهید.»

موضوع بسته‌های یادگیری را با طرح اهمیت یادگیری شروع می‌کنم. وقتی از یادگیری یا کامل‌تر بگوییم از تربیت حرف می‌زنیم، از فرایندی صحبت می‌کنیم که هم «وسعت» دارد و هم «عمق». این دو ویژگی باعث می‌شود در تصمیم‌گیری درباره بسته یادگیری، هم وسیع فکر کنیم و هم عمیق. یعنی دو ویژگی مطرح در خود یادگیری، در طراحی و تولید بسته‌های یادگیری هم باید وجود داشته باشد و مورد توجه قرار گیرد. اینکه یادگیری وسیع است، یعنی یادگیری مقوله‌ای نیست که ما بتوانیم آن را در یک کانال خاص در مسیری چندان معین و محدود پیش ببریم. یادگیری در زندگی انسان در همه ابعاد، امور، ارتباطات و در همه فعل و انفعالات بین انسان و غیر او وجود دارد. یادگیری در همه این عرصه‌ها و در سطوح

اشاره

دکتر حسن ملکی استاد تمام رشته برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه علامه طباطبائی هستند و قریب به یک سال است که بعد از سال‌ها فاصله از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (سال‌ها پیش ایشان مدیر کل دفتر تألیف این سازمان بودند) دوباره به سازمان بازگشته و قائم‌مقام این سازمان هستند. گفتگوی پیش رو با ایشان درباره سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان پژوهش پیرامون بسته‌های یادگیری است.

گونگون قابل تحقق و قابل فهم است و اگر تربیت و یادگیری را به گستره کل زندگی تعمیم دهیم، حرف مبالغه آمیزی نزده ایم.

البته زمانی که از آموزش رسمی حرف می‌زنیم، قضیه متفاوت می‌شود، زیرا آنجا هدف‌های معینی داریم و برای نیل به آن‌ها تدبیر می‌کنیم، روش‌ها و محتوا و تجربه‌های یادگیری مناسبی پیش‌بینی می‌کنیم و در مجموع مدیریت یادگیری مناسبی داریم تا یادگیری رسمی به معنای یادگیری مدرسه‌ای، به درستی اتفاق بیفتد. اما در یادگیری رسمی هم نمی‌توانیم ویژگی وسعت را نادیده بگیریم. در یادگیری‌های رسمی فرد هم از کتاب درسی یاد می‌گیرد، هم از معلم، هم از دانش‌آموزان دیگر و هم از رفتار مسئولان مدرسه. همین‌طور از سایر عناصر و عوامل یادگیری. همین‌طور زمانی که شما از برنامه درسی پنهان نام می‌برید، یعنی خیلی از عوامل مؤثر در یادگیری در کنترل طراحان و برنامه‌ریزان درسی و حتی معلم و والدین نیست و همه این‌ها نشان می‌دهند یادگیری وسیع است.

نکته بعدی عمیق بودن یادگیری است. زمانی که یادگیری را عمیق بدانیم، یعنی یادگیری با شرطی شدن، حفظ کردن، تلقین، القا و امثال این‌ها تفاوت معنادار دارد.

این مقدمه را به این خاطر عرض کردم که ما یادگیری با این دو ویژگی را نمی‌توانیم در یک رسانه محدود و محصور کنیم. حالا این رسانه هر رسانه‌ای باشد؛ چه کتاب درسی و چه هر رسانه دیگر، این ظرفیت را ندارد که چنین مقوله‌ای با ماهیت وسیع و عمیق را در برگیرد. بسته‌های یادگیری برای این پدید آمده‌اند که ظرفیت، فرصت و شرایط متناسب با عمق و وسعت یادگیری را فراهم کنند. یعنی اگر یادگیری این ویژگی را نداشته، شاید یک رسانه کفایت می‌کرد. چند رسانه مختلف را انتخاب کردن و نام بسته آموزشی بر آن گذاشتن، برای این است که امکان و فرصت بیشتری برای یادگیری فراهم شود. بنابراین، فلسفه وجودی بسته‌های یادگیری با ماهیت یادگیری با دو صفت بارزش، یعنی وسعت و عمق، رابطه‌ای مستقیم دارد.

## ❶ بر اساس فلسفه وجودی و عمق و وسعتی که بسته‌های یادگیری می‌باید پاسخ‌گوی آن باشند، از نظر شما بسته یادگیری چه عناصر و مؤلفه‌هایی دارد؟

با توجه به نظریه‌های آموزشی پشتیبان تولید بسته یادگیری، شاید بتوان در اجزای بسته یادگیری تفاوت‌هایی در نظر گرفت. به‌طور مثال، در یک نظریه که در آن هدف‌های از قبل طراحی شده معنا و مفهوم ندارد و از نظر پیشرفت‌گرایان متأثر است، اعتقاد بر این است که ما از قبل نباید برای دانش‌آموزان تصمیم بگیریم و در این رویکرد بسته یادگیری تعریف و اجزای به‌خصوصی خواهد داشت. اما ما در نظام تعلیم و تربیت نظریه‌ای را دنبال می‌کنیم که در آن یکی از ارکان اصلی تعلیم و تربیت هدف‌های از قبل طراحی شده است. اگر کسی در تعلیم و تربیت مقید و متعهد باشد برای نیل به اهداف معین تربیتی، در اینجا به بسته‌های یادگیری طور دیگری نگاه می‌کند که متفاوت است از آن تفکری که به برنامه‌های به اصطلاح از قبل طراحی شده هیچ اعتقادی ندارد.

ما بر اساس اسناد بالادستی و بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت خود اعتقاد

داریم باید هدف‌های از قبل طراحی شده داشته باشیم. بعد برای تحقق این هدف‌ها باید بسته‌های معین طراحی کنیم. نقش کتاب درسی، کتاب راهنمای معلم و کتاب تمرین دانش‌آموز باید مشخص باشد. اگر قرار است فیلم آموزشی داشته باشیم، باید جایگاه آن معلوم باشد و سایر نرم‌افزارها هم باید جایگاهشان در این پازل تعریف شود. من تصور می‌کنم این بخش از کار بسته یادگیری یکی از ظریف‌ترین کارهایی است که گروه برنامه‌ریزی می‌تواند عهده‌دار آن باشد. ما باید هندسه این عوامل و مؤلفه‌های بسته‌های یادگیری را طوری بچینیم که نه باعث انجماد و محدود کردن تربیت و یادگیری دانش‌آموز شود و نه موجب شود که دچار رهاشدگی شویم. برخی از عناصر بسته یادگیری معروف هستند؛ مثلاً کتاب درسی قابل حذف نیست، کتاب راهنمای معلم هم قابل حذف نیست. فیلم آموزشی حتماً باید باشد، فیلم‌های آموزشی مناسب کاری می‌کنند که شاید چند کتاب درسی نتوانند آن کار را انجام دهند.

## ❷ با توجه به مطالبی که در خصوص اجزای اصلی بسته یادگیری بیان کردید، جایگاه مجلات رشد در این بسته به چه صورت است؟

ما هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم که در این باره تصمیم قطعی بگیریم. من نظر شخصی خودم را می‌گویم. مجلات رشد حتماً باید یکی از مؤلفه‌های بسته یادگیری باشند، ولی به‌عنوان یک مؤلفه به اصطلاح کمکی یا متمم. مؤلفه‌ای که بتواند در توسعه یادگیری دانش‌آموزان ایفای نقش کند. مسلماً جایگاه مجله رشد با جایگاه کتاب درسی متفاوت است. کتاب درسی به هدف‌های قصد شده و از قبل طراحی شده معطوف است و ما نمی‌توانیم این نگاه را نسبت به مجلات رشد داشته باشیم. مجلات رشد موادی آموزشی هستند که دانش‌آموزان با مطالعه آن‌ها اطلاعات، دانش و نگرشی به دست می‌آورند تا بهتر بتوانند به هدف‌های مورد انتظار یا قابلیت‌هایی برسند که در برنامه درسی رسمی هم در واقع به اصطلاح پیش‌بینی نشده‌اند.

## ❸ بسته یادگیری را با چه فرایندی باید تولید کرد؟ آیا می‌توان برای تولید آن فرایندی تعریف کرد؟

من چند مرحله عمده را برای تولید بسته‌های یادگیری عرض می‌کنم. مرحله اول پذیرش است. یعنی باید سازمان مربوطه که الان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است و کارشناسان آن، از نظر ذهنی، روحی و روانی حرکت به سمت تولید بسته‌های یادگیری را بپذیرا باشند. چون اگر این قدم اول محقق نشود، یعنی ذهن‌ها صرفاً روی کتاب درسی قفل شود، نمی‌توانیم به آن سمت حرکت کنیم. شرط اول قدم برای تحول این است که ما تغییر را بپذیریم و درباره آن ذهنیت مساعد داشته باشیم. من فکر می‌کنم این مرحله الان موجود است و محقق شده. تک‌تک کارشناسان ما کلیت این امر را پذیرفته‌اند که باید از تک رسانه‌ای بودن به چندرسانه‌ای عمل کردن حرکت کنیم.

مرحله دوم تهیه خود الگو است. در واقع برای تهیه بسته‌های یادگیری به الگو احتیاج داریم، که در آن معلوم شود اهداف بسته چه هست، عناصر و مؤلفه‌هایش چیست و این عناصر باید چه نسبتی با یکدیگر داشته باشند.



همان‌طور که اشاره کردم، بین هدف‌های تربیت و یادگیری و تک‌تک این رسانه‌های مجتمع در بسته یادگیری چه نسبتی باید وجود داشته باشد و چطور این بسته اشاعه و ترویج پیدا کند؟ زیرا اگر ما بسته یادگیری مناسب هم طراحی کنیم، ولی بسته نقطه ارتباط معنادار و تعریف‌شده با جامعه مخاطب خود نداشته باشد، به‌طور طبیعی به موفقیت دست پیدا نمی‌کنیم.

مرحله بعدی تولید بسته یادگیری است. برای تولید هرکدام از اجزای بسته باید استانداردهای معینی تولید شود. مثلاً کتاب درسی استانداردهای طراحی و تولید کتاب درسی، راهنمای معلم استانداردهای مربوط به خود و کتاب کار دانش‌آموز هم استانداردهای خودش را دارد.

تاکنون انصافاً استانداردهای تولید استانداردهای تأییدشده و معین را نداشته‌ایم. این استانداردها باید در شورایی علمی و با صلاحیت به تصویب برسند. بعد از آن می‌توان بسته یادگیری قابل دفاع و متناسب با اسناد بالادستی داشت.

الگوی بومی تدوین برنامه درسی است. اگر این الگو را نداشته باشیم، یعنی این حلقه مفقود است. چون حلقه مفقود است، بسته‌های یادگیری به اسناد بالادستی ما مرتبط و متصل نمی‌شوند.

حال فرض کنید ما بسته‌های یادگیری را تولید کردیم. برای عملیاتی شدن آن، چند روش را می‌توانیم مدنظر قرار دهیم. یک روش همین است که الان وجود دارد و مرسوم است. یعنی در سازمان پژوهش دفترهای معینی وجود داشته باشند که کار را دنبال کنند. روش دیگر برون‌سپاری تولید بسته‌هاست. برون‌سپاری هم برای خودش نیازمند الگوست. ما الان در برون‌سپاری بسته‌های یادگیری در مرحله تولید الگو قرار داریم و دو گروه در حال کار هستند. یک گروه مشغول تدوین الگوی برون‌سپاری در بخش فنی و حرفه‌ای و کار دانش، و یک گروه هم مشغول تدوین الگوی برون‌سپاری در حوزه علوم انسانی و بخش نظری. پیش‌بینی کرده‌ایم تا قبل از تعطیلات عید نوروز نسخه اولیه‌ای از آن الگوها طراحی خواهند شد و برای بعد از تعطیلات، ان‌شالله، وارد مرحله اعتباریابی الگوها و عملیاتی کردن آن‌ها خواهیم شد.

### « بسته یادگیری باید چه نسبتی با اسناد بالادستی داشته باشد؟ همچنین، به نظر شما این بسته چگونه باید به مرحله طراحی و تولید برسد؟ »

اول باید این نکته را بگویم که به نظر من اسناد بالادستی در کشور ما در مظلومیت به سر می‌برند. این اسناد بالادستی، همین سند تحول بنیادین، با وجود توصیه حضرت آقا، الان شش، هفت سال است که عملیاتی نشده. برنامه درسی ملی منبعت از سند تحول هم عملیاتی نشده است. به نظر من، بسته یادگیری فرزند اسناد بالادستی است. چطور ما در آدم‌ها پدر و مادر و فرزند داریم، اسناد بالادستی هم ریشه، و پدر و مادر بسته‌های آموزشی هستند. منتها اینکه این فرزند واقعاً فرزند این سند باشد، نیاز به الگو دارد. الگویی که می‌تواند اسناد بالادستی را به بسته‌های یادگیری متصل کند،



## با توجه به تجربه‌های جهانی موجود که کم هم نیستند، بفرمایید چقدر برنامه دارید که از تجربه‌های جهانی استفاده کنید و چقدر فضاهای جدید دنیای شبکه محور و نسل دیجیتال به عنوان مسئله‌ای مهم یا قابل توجه در تولید بسته‌های یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرند؟

بهره‌گیری از تجربه‌های جهانی نه در این کار، که در همه کارهایی که در حال برنامه‌ریزی هستیم، باید به عنوان منبع مورد توجه قرار گیرد. زیرا ما نمی‌توانیم اولاً همه چیز را خودمان تجربه کنیم، ثانیاً بر اساس اعتقادات و دینمان و سخن پیامبران که فرموده‌اند بروید علم را یاد بگیرید ولو در چین باشد، یا این گفته‌ای که فرموده‌اند شما حکمت را بگیرید، ولو در دست منافق باشد، گاهی باید بین حرف و مولد آن حرف تفاوت قائل شویم تا بتوانیم از تجربه‌های دیگران استفاده کنیم. آنچه مسلم است، در جهان در تولید بسته‌های یادگیری تجربه‌های گوناگونی وجود دارد. به گروهی که در حال کار روی بسته‌های یادگیری هستند، تأکید شده است از تجربه‌های بین‌المللی بهره بگیرند. اما نباید فراموش کنیم که مدل‌ها و الگوهای ما باید بومی باشند. من با مدل و الگوی غریبومی کاملاً مخالفم. الگوهای ما باید بومی باشند. الگوهای ما باید در فرهنگ خودمان، شرایط خودمان، باورهای خودمان و شرایط آموزش و پرورش خودمان ریشه داشته باشند. در بحث بومی‌سازی شرط اول نیازسنجی است. بررسی نیازهای نسل جدید، فناوری‌های نوین موجود و فرصت‌های نوینی که این فناوری‌ها برای ما ایجاد کرده‌اند، همه در نیازسنجی پاسخ داده می‌شود. در مورد فضای مجازی این نکته را هم بگویم که ما به این فضا به عنوان یک فرصت و همچنین تهدید نگاه می‌کنیم. واقعیت این است که اگر فضای مجازی خوب مدیریت نشود، تهدید است و اگر خوب و با حواس جمعی مدیریت شود، فرصت است و می‌توان از آن استفاده کرد.

## در تعلیم و تربیت افرادی درگیرند؛ از مسئولان بالادستی در وزارتخانه تا در واقع کف میدان جریان تعلیم و تربیت که مدیر مدرسه، معلمان، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها هستند. نقش خاص هر کدام از این عوامل به خصوص معلم و دانش‌آموز چیست و چگونه دیده خواهد شد؟

به نظر من در این قضیه جامعه معلمان هم منبع تولید هستند، هم عامل تولید، هم مجری تولید و هم نقد تولید. در هر یک از این موقعیت‌ها ما باید فضایی باز کنیم. از نظر منبع تولید، هرچقدر بتوانیم به معلمان نزدیک‌تر شویم، از نظر فکری، ذهنی، روحی، روانی و اجتماعی، به همان اندازه در تشخیص نیازهایی که مبنای کار ما را تشکیل می‌دهد، موفق‌تر خواهیم بود. معلمان تجربه زیسته‌ای دارند که بسیار کمک‌کننده است و واقعاً برای ما منبعی خواهند بود. از نظر عامل تولید، یعنی زمانی که قرار شد بسته یادگیری تولید شود، به خصوص با الگوی برون‌سپاری، ما ترجیح می‌دهیم این بسته‌ها را گروه‌هایی تولید کنند که معلمان رکن اصلی آن‌ها هستند. معلمان باید در تولید بسته یادگیری به‌طور مؤثر ایفای نقش کنند تا لطافت و ظرافت این بسته‌ها و تناسب آن‌ها با تربیت و یادگیری بیشتر شود. از نظر مجری بسته‌های یادگیری، به‌طور طبیعی اجرای بسته‌های یادگیری به

عهده معلمان است. آن‌ها باید آموزش‌های متناسب با بسته‌های یادگیری را به دست آورند. معلمان باید صلاحیت‌های لازم برای بهره‌گیری از اجزای بسته‌های یادگیری، به‌طور مثال فیلم آموزشی و فضای مجازی را به دست آورند. به عبارت دیگر، معلمان نیازمند صلاحیت‌هایی فراتر از آن زمانی هستند که فقط مجری کتاب درسی بوده‌اند. آخرین نقش هم نقادی است. یعنی باید قادر باشند بسته یادگیری را نقد کنند و به چالش بکشند. البته نقد درست که عالمانه و رشددهنده است.

در مورد خانواده‌ها بنا داریم در طراحی بسته‌های یادگیری جایگاه خانواده‌ها تعریف شود. ما باید بسته یادگیری را به خانواده‌ها معرفی کنیم، آن‌ها را توجیه کنیم و به سؤالات آن‌ها پاسخ دهیم. البته به دلیل جمعیت زیاد خانواده‌ها، به‌طور طبیعی محدودیت‌هایی در این زمینه خواهیم داشت، ولی اگر این اتفاق نیفتد، بخشی از هدف‌های تربیتی در حاشیه می‌ماند.

## به عنوان آخرین سؤال، چه زمانی می‌توانیم امیدوار باشیم بسته‌های یادگیری به مرحله تولید برسند و وارد نظام تعلیم و تربیت شوند؟

اجرای این کار قطعی است و در حال حرکت به آن سمت هستیم، اما برای این اتفاق عواملی وجود دارد که من آن‌ها را عرض می‌کنم. ابتدا باید استانداردهای برنامه درسی در بخش حوزه‌های تربیت و یادگیری تدوین شود. تولید بسته‌های یادگیری منوط به تولید استانداردهای برنامه درسی است. تا زمانی که استانداردها تولید نشود و به معاونت طراحی و تولید بسته‌های یادگیری ابلاغ نشود، این معاونت نخواهد توانست در عمل استانداردهای لایه دوم را تدوین کند. استانداردهای لایه اول، استانداردهای هدف، محتوا، سازمان محتوا، راهبردهای یادگیری و ارزشیابی هستند. وقتی این استانداردها به ما ابلاغ شوند، باید استانداردهای لایه دوم که به اجزای بسته یادگیری مربوط است تدوین شوند؛ استانداردهای کتاب درسی، فیلم آموزشی و سایر اجزا. این استانداردها تابعی از استانداردهای لایه اول هستند. پس از آن ما می‌توانیم چه به طریق برون‌سپاری و چه به طریق مرسوم و معمول، بسته‌های یادگیری را تولید کنیم. از طرف دیگر، طراحی و تدوین الگو و به تصویب رساندن آن و البته عملیاتی شدن الگو نیز فرایندی دارد که باید انجام شود. همچنین، باید از شرایط اجرا اطمینان داشته باشیم. یعنی مطمئن باشیم مسیری را که شروع کرده‌ایم، به‌درستی به پایان برسانیم. تا به این اطمینان نرسیم، نمی‌توانیم کار را شروع کنیم؛ اطمینان از صلاحیت‌های معلمان، توجیه و اشاعه این الگو در سطح ملی و اداره‌های آموزش و پرورش استان‌ها، خانواده‌ها و معلمان. تا این مراحل طی نشود، کار تولید بسته‌های یادگیری به سرانجام نخواهد رسید. در نهایت، اگر بخواهیم خوش‌بینانه بیان کنیم، تولیدات مربوط به بسته‌های یادگیری، یعنی تولید و عرضه بسته‌ها، در کمترین زمان سه سال بعد خواهد بود. ان‌شا...!

## ما هم امیدواریم این اتفاق به بهترین صورت خود رخ دهد. مجله فناوری آموزشی، به عنوان عضو کوچکی از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، در این مسیر پرفراز و نشیب همراه شما و همکارانتان و نظام بزرگ تعلیم و تربیت خواهد بود.